

باختر امروز

شماره

مخصوص

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین طاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

بابتکار و دعوت جبهه ملی ایران در خاورمیانه ،
جلسه ای از نمایندگان سازمانهای مترقی و
انقلابی تشکیل شد . در این جلسه يك بیانیه
سیاسی مشترک بمنظور همبستگی و پشتیبانی
از انقلاب مردم عمان و خلیج انتشار یافت و
سیس بمنظور جمع آوری و اردو سال همکاری
مختلف مادی ، کمیته ای بنام « کمیته تارک
بازنلاب عمان و خلیج » تشکیل گردید تا
اقدامات عملی و فوری بعمل آورد .

تاکنون قریب پنجاه هزار تومان جمع آوری
شده است و قرار است همبستگی انقلابی و
عدلی مختلف در میان نیروهای انقلابی منطقه
باشکال مختلف ادامه داشته باشد .

بهمن ماه ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره ۵۰ - سال چهارم

از : چریکهای فدائی خلق

دستاورد های سه سال مبارزه مسلحانه

سه سال مبارزه سیاسی - نظامی در مین ما دستاوردهای ترائبهائی
برای تدارک جنبش وسیع خلق داشته است .

ضروری بود که بمناسبت گذشت سه سال از آغاز جنگ چریکی شهری در ایران ، تحلیلی همه
جانبه از دستاوردهای مبارزه مسلحانه ، بخصوص تغییر واضح ، قاطع و بسیار مهم جو سیاسی کشور ،
بعمل آید . مقدمه جدیدی که چند ماه پیش توسط چریکهای فدائی خلق بر چاپ جدید کتاب « ضرورت
مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء » نوشته شده است جامع همه نکاتی است که باید مورد توجه
قرار گیرد . لذا ما به درج همین مقدمه اقدام میکنیم . باختر امروز

★ ● ★

بیان باره ای از این نمونه ها و نیز اثراتی که پیکار
مسلحانه در این مدت کوتاه در زمینه های مختلف
بجا نهاده میبرد ازین :
(۱) - اثر مبارزه مسلحانه در تشدید تضادهای
خلق یا رژیم :

دو سال و نیم از آغاز مبارزه مسلحانه میگذرد .
با وجود اینکه دشمن در این مدت تمام تجهیزات و
امکانات خود را برای سرکوبی جنبش بکار گرفته
و با اینکه بسیاری از رفقای رزمنده جان خود را در
این پیکار از دست داده اند و بسیاری دیگر در
اسارت و شکنجه گاههای دشمن بسر میبرند ، با
اینهمه نه تنها مبارزه مسلحانه بخاموشی نگرانیده
بلکه با جلب تجارب عملی و کاربرد آنها روز بروز
شکوفا تر و گسترده تر میشود . عناصر صدیق و
انقلابی در سطحی گسترده به مبارزه مسلحانه می
پیوندند و این گسترش مداوم پیکار مسلحانه در
زیر وحشیانه ترین و خشن ترین سلطه پلیسی و
همچنین نتایج بسیاری که این پیکار در مدت دو
سال و نیم ببار آورده نشانه های بارزی از صحت
استقادات تئوریک و خط مشی ما میباشد .

مبارزه مسلحانه در ایران در شرایط بسیار
دشواری آغاز گردید ، شرایطی که خلق امیدی
بمبارزه سیاسی نداشت و آنرا بی ثمر می پنداشت ،
چرا که از یکسو در نتیجه ایجاد اختناق شدید
و همه جانبه توسط رژیم وابسته بامبرپالیسم ،
سلطه دشمن را زوال ناپذیر و دائمی تصور
می نمود ، و از سوی دیگر چون در گذشته فرصت -
طلبانی که ادعا میکردند پشاهنگ مبارز توده اند در
هممل با درپوزگی سیاسی و خودفروشی های ننگین
و در پیش گرفتن خط مشی های فرصت طلبانه ،
بارها مبارزات خونین خلق را به بن بست کشانیده
بودند ، اعتماد توده به پشاهنگان راستین و
صدیقش نیز دچار تزلزل گشته بود . در اینجا
تجربه نوینی برپای باز گردانیدن اعتماد به پشاهنگ
در توده ها الزامی بود .

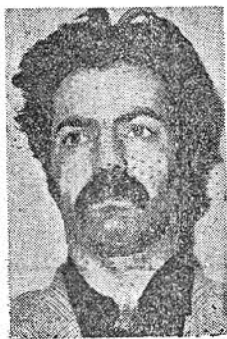
با آغاز مبارزه مسلحانه و ادامه آن ، از یک
سو شکست ناپذیری سلطه دشمن در ذهن خلق
خندشدار گردیده و از سوی دیگر ، قاطعیت
دلآوری و جانبازیهای پیشگامان رزمنده ، اعتماد به
پشاهنگ را با آنان باز گردانید . چنین بود که خلق
از خود جوشید و عناصر ابتدائی شورش و طغیان
را از درون خود بیرون داد . ما در دو سال و نیم
اخیر شاهد نمونه های بسیاری از جوشش انقلابی
خلق تحت تاثیر مبارزه مسلحانه بوده ایم که اینک به

افزایش سرسام آور بودجه نظامی که صرفا
بخاطر تربی دشمن از اوج گیری مبارزه مسلحانه در
ایران و نیز جنبش های آزادیبخش منطقه ، و هراس
از پیوستن این نیروها در آینده ، صورت گرفته
او را با بحران اقتصادی و اجتماعی مواجه کرده
است .

علاوه بر آن دشمن در رابطه با جاوگیری از
گسترش مبارزه مسلحانه در ایران به صرف
هزینه های کلان دیگری نیز تاگزیر گردیده است که
در اینجا فهرست وار با آنها اشاره می کنیم :

- ۱ - افزایش بودجه شهرداری ، سواک و
ژاندارمری .
 - ۲ - تصویب بودجه های تحقیقاتی ضد انقلابی
برای جاوگیری از رشد جنبش .
 - ۳ - افزایش بی سابقه فعالیت های تبلیغاتی و
صرف بودجه بسیار برای آنها .
 - ۴ - اجرای طرح های امنیتی برای حفظ رژیم
در سطح تمام وزارتخانه ها .
- بحران اقتصادی ناشی از اقدامات رژیم برای
بقیه در صفحه ۲ .

آخرین بار نخ و اهد بود !



طیفور بطحانی

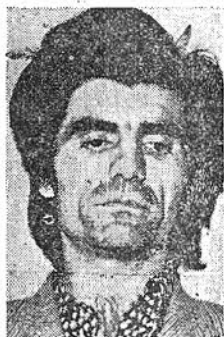


خسرو گل سرخی



عساعلی سماک

در پس دستگیریهای همه روزه ، در پس
شکنجه ها و محکوم کردنها و بزدان کشیدهای بی
در بی که حتی کسی از چگونگی آنها اطلاع حاصل
نمیکند و در پس بی خبری از سرنوشت هزاران تن
قهرمان مبارز که بیچنگ مامورین خونخوار رژیم
افتاده اند ، باز یکبار دیگر همان نمایش کهنه که به
تناوب بارها شاهد تکرار آن بوده ایم از سر گرفته
شد : جنجال دستگیری گروه جدید ، بستن اتهامات
عجیب و غریب با آنان ، داستانسرازی ها و تبلیغات
مبتذل ، و بعد در پرده دوم نمایش ، « اعتراض
مردم شاهدوست » ، عکس العمل اجزای پاسدار
« انقلاب » !! و دسته های معلوم الحال و باصطلاح
خشم عمومی در سراسر کشور و تقاضای مجازات
شدید متهمان از درگاه « عاری از مهر » عدالت
گستر ! ، و بالاخره آخرین پرده ، تشکیل همان
دادگاه نظامی مفتضح و اظهارات صد تا یک قاز



رضا علامه زاده



کریم دانشمان

بقیه در صفحه ۴

دستاورد ما

بقیه از صفحه ۱

حفظ موجودیت پوشالی خود، سبب اوج گیری جنبش های خودبخودی کارگران در سطح وسیعی گشته است. ما در یکسال گذشته با نمونه های بسیاری از اعتصابات خشونت بار کارگران روبرو بوده ایم که از آن جمله اند:

اعتصاب های یکپارچه کارگران شرکت واحد، کارگران کارخانه چیت ری، دخانیات، گروه صنعتی بهشهر در تهران (با ۶۰۰۰ کارگر) کارگران کارخانه ارج، کارخانه بی - ام - ولو و اعتصاب یکماهه و نیمه ۴۰۰۰ کارگر کارخانجات کفش ملی در تهران و شهرستانهای رشت و بندر پهلوی. اعتصاب اخیر که ابتدا با شعار های مصلحتی شروع شد در اثر پی گیری کارگران به زدو خورد با مزدوران رژیم و محاصره کارخانه از طرف ماموران مسلح منجر شد. دستگیری و شکنجه کینه انگیز عده بسیاری از کارگران نه تنها بقا خسارت آنان نکاست بلکه آنها را خشمگین تر نیز ساخت و سرانجام در نتیجه سرسختی و پایداری کارگران دشمن مجبور به عقب نشینی و تسلیم در برابر خواسته های کارگران گردید.

دشمن بخوبی آگاه است که گسترش اینگونه اعتصابات تحت فشار شدید اقتصادی موجود ناگزیر میباشد و از آنرو که قادر به جلوگیری از گسترش آن نیست سخت بوخت و هراس افتاده است و هر گونه تلاشی در این زمینه نیز بناگزیر بزیان خودش تمام میشود.

گسترش اعتصابات اقتصادی یکساله اخیر که نتیجه گزیرناپذیر شرایط نوین است، در راه تشکل هر چه بیشتر طبقه کارگر، گام موثری بشمار میرود که در رابطه با اعمال قدرت انقلابی پیشاهنگان پرولتاریا، زمینه را برای وحدت کارگران با پیشاهنگان طبقه خویش بخاطر شرکت فعالانه در مبارزه سیاسی - نظامی موجود، فراهم میسازد.

در دو سال و نیم اخیر ما همچنین شاهد تاثیر گذاری مستقیم مبارزه مسلحانه بر قشرهای مختلف خلق بوده ایم، خدشه دار شدن قدرت مطلق رژیم در ذهن توده ها، در عکس العمل های خشونت آمیز پراکنده و گاه متشکل آنان در مقابل زورگویی های مزدوران دشمن مشاهده میگردد. اینگونه مقاومتها هرچند نطفه ای و ابتدائی اند ولی نشانه های بارزی از رشد و شکوفایی را در درون خود دارند.

(۲) - اثر مبارزه مسلحانه بر عناصر و قشر های آگاه خلق:

درهم شکسته شدن قدرت یکجانبه دشمن توسط تعرض چریکی، بر عناصر آگاه و پیشرو خلق اثر مستقیم و چشمگیری داشته است، عملیات دلاورانه رزمندگان پیشرو، خون تازه ای در رگها دوانیده، امیدهای دیرینه را شکوفان کرد و اعتماد بنفس را برای نبرد با دشمن، بمبارزین بازگردانید و چنین بود که عناصر و محافل و گروه های بسیاری از درون خلق جوشیدند و با اعتماد و از خود گذشتگی در این راه قدم گذراندند.

اعتصاب های پرشور و یکپارچه و پیاپی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور از جمله اعتصاب های خونین تهران، تبریز، اهواز، و اصفهان در زمستان ۵۱ که در همه حال دانشجویان بر خلاف گذشته حالت تهاجمی داشتند و شعارهایشان نه صنفی بلکه سیاسی بود.

اقدامات و ابتکارات دانش آموزان سراسر کشور از جمله لاهیجان، سراب، دزفول، ساری، کرمانشاه، قصر شیرین ... که در زمینه ساختن مواد منفجره ساده و اقدام به انفجار مجسمه های شاه و نیز چاپ و پخش اعلامیه های سیاسی که با ماشین های مصادره شده از مدارس و ادارات توسط خود دانش آموزان صورت گرفته است، آشکارا نمایانگر تاثیرات مستقیمی است که عملیات مسلحانه رزمندگان انقلابی بر عناصر آگاه خلق بجا نهاده است.

در کلیه این موارد تعام تلاش های دشمن برای مقابله با مبارزین نه تنها بی ثمر بوده بلکه بزیان ده است، چرا که با اعمال قهر

ضد انقلابی هرچه بیشتر به تضادهای قشرهای آگاه خلق با خود دامن زده است. تجارب دو سال و نیم اخیر بخوبی بیانگر این حقیقت است که چگونه علیرغم تمام خشونت های وحشیانه دشمن در زمینه دستگیری، شکنجه، اعدام و غیره، حمایت فعال عناصر آگاه خلق همچنان گسترش می یابد و روزی نیست که خبر پیوستن این عناصر به مبارزه مسلحانه در فضای شهرهای میهن ما پلن افکن نشود و دشمن با هیچ نیروی قادر به جلوگیری از آن نیست و هر اقدام خشونت بار او تعداد بیشتری از این عناصر را به جنبش میکشاند.

(۳) - اثر مبارزه مسلحانه بر کادرهای دشمن: نمونه های درخشان مقاومت دلیرانه مبارزین، ضربه هشدار کننده ای بوده است بر مامورین رژیم بخصوص کادرهای جوان که ناآگاهانه نیروی خود را در خدمت ضد انقلاب گذاشته بودند، مأمورینی که شاهد مقاومت فرسختانه رزمندگان و استیصال خلق، چه در بیرون و چه در زیر شکنجه بوده اند، خود بارها به جقارت دشمن در برابر قاطعیت شگفت انگیز و ایمان والا و رزمندگان اعتراض کرده اند. این اعتراضها که از حمایت معنوی آنها سرچشمه میگردد دیر یا زود به حمایت فعال آنها نیز میرسد، چنانکه ما نمونه هایی از آن در پیش رو داریم که برای رژیم ضربتی کوبنده از درون بحساب می آید عمل قهرمانانه ستوان احمدی افسر زندان ساری که با آزادی زندانیان سیاسی و مصادره سلاح های دشمن بسود جنبش انقلابی همراه بود یکی از این نمونه هاست.

عکس العمل دشمن در برابر اینگونه اقدامات بهر شیوه ای که بروز کند ناگزیر آگاهی کادرهای ارتش و پلیس را بالا برده و با شدت بخشیدن به تضادهای درونی موجود در این بخش از تکیه گاه حیاتی دشمن، وفاداری و اطاعت کور کورانه آنان را خدشه دار میسازد.

افزایش اعدام های بی سر و صدا در درون نیرو های محافظ رژیم، خرید نمونه ای از ترس مرگبار رژیم و جلوه ای از تشدید تضاد موجود است. از جمله واقعه اعدام هیجده تن از افسران شورشی شیراز و موجی از استعفا های کادرهای نیروهای انتظامی و بسیاری نمونه های دیگر که در دو سال و نیم اخیر مشاهده شده بخوبی روشنگر این واقعیت است.

(۴) - اثر مبارزه مسلحانه در افشای ماهیت فرصت طلبان:

آغاز مبارزه مسلحانه و عملیات دلیرانه پیشاهنگان راستین خلق، ماهیت اپورتونیستی را افشای نمود که بی عملی حسابگرانه خود را با آویختن به انگیزه های ساخته شده از تئوریهای کلاسیک توجیه میکردند و با گنده گوئی و پرمدعائی، عناصر ساده دل و پیشرو را مدتها سر دوانیده و سرانجام دست بسته تحویل دشمن میدادند. اکنون دیگر مواضع گروهها و افراد نه با ادعا بلکه با عمل، روشن میگردد و فرصت طلبان دیگر مانند گذشته نمیتوانند عناصر صادق را بسوی خود جاب کنند. از سوی دیگر چون مبارزه مسلحانه بنا بسرشت متعرض خود تنها عناصری را در درون خود می پذیرد که اندیشه خود را از کوچکترین حسابگریها و «خود» خواهیها زدوده باشند، بناگزیر در این سنگر هم برای اپورتونیسم هیچ جای باقی نمی ماند.

فرصت طلبانی که بدنبینان مشت خود را باز شده می بینند و خود را در معرض نگاههای ملامتگر می یابند با خیرخواهی عوامفریبانه خود شهادتهای ارزنده ترین رزمندگان صدیق خلق را با مساله «بقاء» و ادامه جنبش مغایر و انمود کرده و باین ترتیب می کوشند بی عملی خود را توجیه کنند. آنها بخاطر سرشت خرده بورژوازی خود که تعیین کننده موضع گیری آنهاست نمیتوانند درک استراتژیک ما را از مساله «بقاء» دریابند. آنها تنگ نظرانی هستند که آگاهی و درک صحیحی از جریان های تاریخ ندارند چرا که ثمره این شیوه از مبارزه با در ایران، در محدوده کوتاهی از زمان می بینند که در نهایت از طول زندگانی خودشان تجاوز می کنند.

آنها که از سنگر اپورتونیسم به حمایت خود به مبارزه مسلحانه پیشاهنگان خلق ادامه میدهند میدانند که درک ما از «بقاء» از دیدگاه انحصار تاریخی و جنبه استراتژیکی آنست، برداشتن ما از بقاء افراد و گروه های انقلابی از نظر تجربه است که برای مراحل بعدی جنبش می گذارند. نه صرفا باقی ماندن خود این افراد و گروهها، در حالیکه نقشی فعال و ضروری خود را بازی نکردند و در نتیجه بر جامعه و جنبش بی تاثیر ماندند، و در قبال این موضوع منفعل، به بقاء صوری خود ادامه دادن از دیدگاه تاریخی «بقاء» نیست بلکه در نهایت ناپذیری است. ولی تعرض کردن و تجربه از خود باقی گذاشتن و آنگاه از بین رفتن در صورتی که ظرف و تاریخی قضایا را برررسی کنیم وجود است، باقی ماندن است.

اینست بر خورد استراتژیک ما با مساله «بقاء» بدینسان برای همه این مساله که «اینک تقریبا بیشتر رفقائی که مبارزه مسلحانه را در ایران آغاز کردند، شهادت رسیده اند هیچ جای دربی ندادند و فرصت طلبان بیهوده می کوشند آنرا دلیل شکست و ناپذیری ما بحساب آورند. از نظر ما از بین رفتن اینها با آن واحد رزمنده هیچوجه ناپذیری محسوب نمیشود. این برداشتی سطحی از قضایاست، این درست همان ادعاییست که دشمن بارها بان اشاره کرده است مبنی بر اینکه «رزمندگان انقلابی را ریشه کن کرده است» در حالیکه امپریالیسم و عمالش نیز بخوبی اهمیت مبارزه مسلحانه ایران و شکست ناپذیر بودن آنرا علیرغم تمام ادعاهای دروغین خود درک کرده اند و همچنین بخوبی اهمیت پیوستگی استراتژیکی پیشاهنگان مبارز را در امریکای لاتین، آفریقا، آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه میدانند. آیا تصادفاً است که اتحاد های دیرینه ارتجاعی افشا شده بین رژیم و اربابان امپریالیستش دوباره تجدید میگردد؟ چرا درباره سنتق (۱) اینهمه هیاهو برپا میشود؟

این مساله بخوبی نشاندهنده آنست که وجود مبارزه مسلحانه در ایران بعنوان مبارزه ای راستین در نقطه بر اهمیتی از میهن گذشته توده های استثمار شده در سراسر کره زمین، برای اربابان رژیم بسیار مهم و قابل توجه است.

بدینسان امپریالیسم و سرسپردگان آنها بخوبی این نکته را درک و لمس می کنند که مبارزات رهائی بخش خلقها در تمام نقاط استثمار شده، چونان حلقه هایی از یک زنجیرند که در نهایت بر دست و پا و گردن امپریالیسم و وابستگی اش خواهد پیچید. و از واهمه چنین مرگ پیش بینی شده است که دوباره بسوی پیمانهای افشاشده ضد انقلابی باز می گردند و این خود نشانه روشنی است از اینکه امپریالیسم چگونه به مبارزه مسلحانه در ایران چونان حلقه مهمی از این زنجیر می نگرد. و علاوه بر تمام اقدامات پشت پرده خود ناچار می شود برای مقابله با مبارزین راستین اخلاق ایران، آشکارا بچاره جوئی پردازد.

واقعیت این است که مبارزه ای که در ایران آغاز گردیده با یک قیام کوتاه مدت هیچوجه قابل مقایسه نیست. برای ما پروزی در نقطه ای بسیار دور در فراسوی راهی دشوار قرار دارد. ما با آگاهی باین دشوار بها قدم باین راه نهاده ایم. ما بخوبی آگاهییم که برای گسترش مبارزه مسلحانه در میان توده ها و شرکت مستقیم آنان در این پیکار رهائی بخش هنوز راه درازی در پیش داریم. ما در این گلرگه سرخ و پرشکوه شهادی بسیار خواهیم داد که همواره جای آنان را رزمندگان راستین دیگری خواهند گرفت. جنبش از فراز بسیار خروشان پیش خواهد رفت و در این رهگذر است که توده مبارزه روی می آورد و با شرکت فعالانه خود در پیکار مسلحانه شرایط ایجاد حزب سراسری طبقه کارگر را فراهم میسازد و بدینگونه لایست که حزب طبقه کارگر نه در «حرف» بلکه در «عمل» تشکیل خواهد شد. حزبی که از بقیه در صفحه ۳

درون پیکارهای طولانی برخاسته و از اینسروی نیرومند، اصیل و واقعاً انقلابی است. حزبی که تمام خلق های ایران را بر علیه تمام دشمنان طبقاتیشان متشکل خواهد ساخت. حزبی که با روحیه انترناسیونالیستی اصیل خود همراه با دیگر جنبش های آزادیبخش منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک خواهد جنگید و سرانجام نقش خود را در راه نابودی نهائی امپریالیسم و تحقق جامعه بی طبقه در جهان ایفا خواهد کرد.

« با ایمان به پیروزی »

باختر امروز - در سه سال گذشته بیش از ۲۰۰ نفر از فرزندان خلق شهید شده اند، هزاران نفر دستگیر شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند، ولی هزاران هزار نفر دیگر کار آنها را در سطوح مختلف با تعهد و مسئولیت، با عشق بی انتها نسبت به خلق دنبال میکنند. آنها اکنون بیش از همیشه، از حمایت خلق برخوردارند. پیوند آنها با توده ها و عمیق تر و وسیع تر شده است و میبایست هم اینچنین بشود. امروز مردم چریک فدائی و مجاهد را می شناسند، از آن خود میدانند و آن « حمایت معنوی » را که احمدزاده میخواست خیلی بیشتر از گذشته، از او میکنند.

در این سه سال سازمانهای بزرگ و کوچک متعددی در کار مبارزه و تبلیغ مسلحانه بوده اند و بجاست که نه تنها درود و سپاس بی انتهای خود را نثار آنها کنیم بلکه بگوئیم که در عمل نیز به آنها یاری رسانیم. طیف این یاری، بسته به توانائی ما، از شرکت مستقیم در عمل تا تشریح صادقانه نظریات آنها و وسعت دارد. ذکر تشریح صادقانه نظریات ضرورت دارد چون اخیراً مشاهده شده است که بخصوص در مورد در سازمان مبارز که بعزت یورش پلیس نوشته های وسیعی از آسان بدست نیامده است، عده ای آگاهانه بصورت غیر اصولی، سعی در تحریف نظریات و معرفی شیوه های مبارزاتی آنها کرده اند. یکی از این سازمانها گروه جاوید آرمان خلق است. در مورد این سازمان با وجودی که تحریف کنندگان خود کوچکترین اطلاعی از وجود، ماهیت و تئوری مبارزه و نحوه ادامه فعالیت و... این گروه ندارند، وظیفه ما اظهار نقل قول های بریده و خارج از متن شیوه های ناصداقانه از نشریات ما، با تحریف و جعل غیر مسئول، میکوشند آرمان های ما را که این شهدای ارگانیتر جان خود را نثار آن کرده اند، جز آنچه بوده جلوه دهند و حکمی بر صحت خزعبلات خود بیافزینند. توضیح آنکه با وجودی که گروه جاوید آرمان خلق از اولین گروه های چریکی ایران بود، عده ای بی مسئولیت، میکوشیدند از خلال مدافعات هوشنگ ترکل، چریک شهید و اگرانقدر این گروه حکم بر محکومیت کار چریکی بیرون بکشند! این کار نه تنها مغرضانه است بلکه توهین آمیز نیز میباشد. زمانی که امکانات امنیتی اجازه دهد که مطالبی در باره چگونگی تکوین این گروه و نیز نحوه لورفتن آن منتشر گردد آنوقت برای همه روشن خواهد شد که چرا عده ای از ابتدا آگاهانه سعی در وارونه نشان دادن حقایق کردند و فرصت طلبان دیگری را هم بدام خود کشیدند.

مورد دیگر، سازمان آزادیبخش خلق های ایران است. این سازمان اولین کار چریکی را در ایران انجام داد. بعد از دستگیر شدن، چند نفر از آنها در جادگاه و در زیر شکنجه علیرغم مبارزات گذشته خود، اظهار ندامت کردند که تاسف آور بود و کینه همگان را نسبت به دشمنی که بخيال خود مبارزین را بزانو در می آورد افزود. ولی کسانی که ضعف را قوت می نندارند، با قیاس به نفس، اظهار ندامت از اعمال چریکی را حمل بر « انتقاد از خود »! - و آنها در دادگاه شاه - کردند تا به اندیشه خود از تجربه بد چیز خوبی بیرون بکشند. البته این توجیه خیلی مضحک تر از آن بود که از نظرهای تیزبین پنهان بماند. اکنون سازمان چریکهای فدائی خلق خیر میدهند که خوشبختانه بقایای این گروه

یاد پیروان

بقیه از صفحه ۴

تشکیل دهند.

در این زمان بود که رفیق بنوشتن اثر معروفش « ضرورت مبارزه مسلحانه زرد ثوری بقاء » پرداخت و در سازماندهی گروه « چریک های فدائی خلق » نقشی اساسی ایفا نمود و از سال ۴۹ بصورت یک انقلابی حرفه ای در صف مقدم پیشاهنگان فدائی خلق قرار گرفت. رسالت تاریخی خود را بانجام رساند و با نثار خون خود پرچم انقلاب را بر افراشته ترسبار کرد.

رفیق امیر پرویز پویان این مبارز سرسخت و دلیر که برخورد صادقانه و فعالش با مسائل جنبش تعهد انقلابی رفقا را افزونی می بخشید، علیرغم حیات کوتاهش در گروه فعالیتی چشم گیر داشت، در تدارک، طرح و شرکت در عملیات نظامی، جمع بندی سیاسی این عملیات و سازماندهی تیم های سیاسی - نظامی نقشی فعال ایفا میکرد. بالاخره هنگامیکه در سوم خرداد سال ۵۰ همراه با رفیق رحمتاله پیروانگیری توسط چند صد مزدور مساح دشمن محاصره شدند، با شهامت انقلابی و قلبی آکنده از خشم و کینه های آتشین

متشکل گنند و از جمله اعلامیه ای نیز در دفاع از جنبش مسلحانه خلق منتشر کرده اند. اینها هم مایه امیدواری است از جهت سلامت و تدوم کار سازمانهای رزمنده و هم از نظر آفشاء انگیزه کسانی که علیه جنبش چریکی و مبارزین دلیر شایمه پراکنی میکنند.

بهر حال جنگ چریکی شروع شد. سه سال از آغاز آن میگذرد. تصدیق دوست و دشمن - بشرط ذبشعور بودن - عامل بسیار مهم تغییر جو سیاسی کشور بوده است. جدل کنندگان تازه از خواب غفلت بیدار شده، سه سال پس از شروع و اثر بخشی آن، اکنون در موثر نبودن آن (!) قلم رنجه میکنند.

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم لازم به توضیح است که ما شیوه همیشگی خود را که فرو نیفتادن در ورطه جدال های انحرافی و عدم انصراف از هرگز توجیه بر جنبه های مثبت مبارزه خلق است ادامه خواهیم داد. ما معتقدیم که در مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی، جدل بخاطر تلاش در تشخیص مسائل و مشکلات، طرح انتقادات اصولی و ارائه راه های متفاوت جهت بررسی و مطالعه ضروری است. ولی هنگامی که عده ای بطور آگاهانه بکوشند تا حقایق را در نظر افراد کم اطلاع وارونه جلوه دهند، وظیفه ما بخاطر دفاع از جنبش، آفشاء انگیزه ها، ضعف های بینشی و انحرافات آنها خواهد بود، چه معتقدیم سکوت در برابر گرفتارهای ناصواب بهمان اندازه خطاست که درگیر شدن در جدل های لفظی افراطی، خرده گیری بدون ارائه راه مشخص، تحریف، سفسطه، بدون احساس مسئولیت سخن گفتن و در یک گسلاط دروغگوئی بخاطر بهره برداری از آن و توجیه وجود خرید. ما میدانیم که در بین این دو نهایت و در حالت تعادل باقی بمانیم.

دیروز بر همه مبارزین.

درود بر همه سازمانهای مبارز انقلابی.

درود بر چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران و گروه جاوید آرمان خلق و سازمان آزادیبخش خلق های ایران و همه سازمانهای دیگری که بخشونت همپریالیسم را با خشونت انقلابی باطل ساختند.

دیروز به خلق قهرمان ایران که هر روز از روتنر از پیش سازمانهای انقلابی را اندر آبروی جهالت و محبت خود جای میدهند و پیوند خود را با آنها مستحکمتر میکنند.

۱ - در اینجا پیمان سنتو با توجه به نقش تازه ای که بان داده شده یعنی مبارزه با جنبش های مسلحانه خلق های ترکیه، پاکستان، ایران و منطقه قرار گرفته است.

به چنان نبرد قهرمانانه ای برخاستند که مزدوران دشمن را از وحشت بلرزه در آوردند دشمن همچنان نیروی برای مقابله با این دو چریک رزمنده، دو انقلابی راستین خلق به محل آورده بود که دقیقاً ضعف او را در مقابل قدرت و نیروی چریک باثبات میسازند و خلقی که شاهد این درگیری نابرابر بود قدرت و شهامت چریک، و هراس مرگبار دشمن را از این قدرت هر چه عینی تر در چند قدمی خود لمس میکرد. می دید که مزدوران دشمن با تمام نیروی که گرد آورده بودند در حالیکه از وحشت و ترس بخود میارزند و جرات نزدیک شدن به خانه را ندارند چگونه مذبح حواله تلاش میکنند چریکها را به تسلیم شدن وادارند و زنده دستگیر - شان سازند. ولی چه خیال باطلی... یک ساعت... دو ساعت... سه ساعت... ساعتها می گذرد. رفقا همچنان سرسختانه به نبرد ادامه

دهند. نگاههای حیرت زده خلق باین نبرد نابرابر باین دلیری و از جان گذشتگی دوخته شده، قلبهایشان می طپد از خود می پرسند « اینان کیستند که چنین سرسختند؟ » و « سرانجام این نبرد چه خواهد شد؟ ». و... می بیند که چگونه این رزمندگان راه رهائی خلق، تا آخرین قطره خون خود را به نبرد با دشمن تا دندان مسلح ادامه میدهند و هرگز تسلیم نمی شوند.

بدینسان بود که این دو رفیق دلاور و رزمنده در طی نبرد حماسه آفرین خود پس از اینکه آنچه را که نمی بایست بدست دشمن بیافتد از بین بردند، سرانجام برای آنکه خود نیز بدست دشمن اسیر نشوند با شعار « پیروز باد انقلاب » و « زنده باد کمونیسم » به زندگی خود پایان دادند و بدینگونه حماسه پرشکوه هستی خود را در دلها جاودانه ساختند ما که آنان را می شناسیم میتوانیم بگوئیم که آن لحظات، لحظاتی که پیام مرگ برای دشمن داشت، برای رفقا چقدر شادبخش بود و چه اندیشه ها از ذهنشان می گذشت.

براستی برای کسی که دارای وجودی سراپا عشق به خلق و قلبی مملو از کینه عمیق بدشمن است چه لذتی بالاتر از این که با عمل انقلابی خود ضربه ای بر پیکر دشمن وارد آورد. در آن لحظات آنان بی تردید با چشمان دورنگر خود آینده پرشکوه را می دیدند که خلقها از بندهای استارت آزاد گشته و هرگونه ستم و بهره کشی طبقاتی، هرگونه استثمار انسان از انسان نابود گردیده است. برای یک مبارز صادق چه دورنمایی شکوهمندتر و بر انگیزنده تر از این میتواند باشد؟ چنین یود که رفیق پویان اعتقاد داشت که اگر صد جان هم داشته باشیم سزاست که صد بار جان فدا کنیم چرا که توده های زحمتکش هر روز صد بار جان می دهند.

جاودانه باد خاطره رزمندگان راستین نبرد رهائی بخش خلق

رفیق امیر پرویز پویان

رفیق رحمتاله پیروانگیری

اخبار - بقیه

افسران اندر مقابل ستاد ارتش اجتماع کرده و خواستار تحویل گرفتن جنازه ها و بازخواندن نظامیان دیگر از ظفار شدند. ماهورین انتظامی صفیوف آنها را مورد یورش قرار دادند و پس از دستگیری عده ای، بقیه را با کامیون نظامی به نقاط مختلف شهر برده و رها کردند. گرچه تا اکنون انقلابیون عمان توانسته اند حملات قوای ایران و عمان و مشاورین آنها را دفع کنند، مهلت در مقابل احتمال تشنه دیدن حمله احتیاج به همکاری تمام نیروهای مترقی جهان دارند. وظیفه ماست که تمام امکانات خود را برای آنکه به این انقلابیون بخمدت

آخرین بار نخواهد بود

بقیه از صفحه ۱
دادستان نظامی و ماموران معلول! (وکلائی تسخیری)
و چاپ زند عکس و تفصیلات در رنگین نامه ها ،
آنتور که مورد نظر رژیم است و صدور احکام
از پیش تعیین شده .

در مهرماه ۱۳۵۲ از طرف سازمان امنیت شاه،
اعلام شد که یک گروه ۱۲ نفری از روشنفکران و
فیلمبرداران که قصد ترور شاه و بگروگان گرفتن
فرح و پسرش را داشته‌اند، دستگیر شدند . این
گروه عبارت بود از طیفور بطحانی - خسرو
گلبرخی - منوچهر مقدم سلیمی - کرامت دانشیان
- عباسعلی سماکدر محمدرضاعلامزاده - رحمت‌الله
چشمبندی - ابراهیم فرهنگ - شکوه فرهنگ -
مریم اتحادیه - مرتضی سیاهپوش و فرهاد قیصری .

سازمان « امنیت » و سرکردگان ارتجاع که
معتقدند در شرایط و احوال ایران ترور شاه میتواند
بکنی وضع آنها را برپشان کند - آنها که حس
کرده‌اند که در اثر تداوم سلطنت و پشتیبانی
امپریالیسم ، شاه قادر شده است که تضادهای
درون طبقه حاکمه را تحت الشعاع قدرت عاریتی
خود قرار دهد و از اینرو جناحهای مختلف طبقه
حاکمه با وجود مخالفت شدید با یکدیگر ، تواما سر
به آستان او میسایند و همه بندگانند خسرو پرست،

آنها که میترسند بوجود شاه آسیبی برسد و
یاخته سی و چند ساله آنها بنبه نشود ، در هر
حرکتی ، هر جنبشی و هر تشکیلی احتمال « توطئه
علیه شاه جان » را می‌بینند و سراسیمه به تکاپو
می‌افتند . تلاش آنها ، هم در جهت خنثی کردن
« توطئه » هاست و هم در جهت القاء این شبهه که
« شاه را نمی‌توان کشت » ، « دست پروردگار
(بخوانید مستر هلمز) پشتیبان اوست » و غیره . .

بهر حال بعد از سه ماه سازمان « امنیت »
در ماه دی محصول کارش را بروی صحنه آورد و
با استفاده از دادگمی و خود فروختگی چند عنصر
ضعیف‌النفس از این گروه ، تنور تبلیغاتی خود را
دمید و با اختصاص دادن صفحات روزنامه ها به
چاپ اظهارات نادمانه چند و داده ، صحنه را آنچنان
آماده کرد که بخیال خود بتواند همه افراد گروه را
لجن مال کند و در نظر مردم اینطور بنمایاند که
ایران همگی را دانسته بکاری دست زده و از کرده
نیز پشیمانند تا بدینوسیله بروی چهره مبارزین
صدیق این گروه که بر سر آرمانها و نظریات خود
استوار باقی مانده و تر آن دفاع کردند ، سایه
بیاندازد . غافل از اینکه در نظر مردم هوشیار ،
همین اعلام دستگیری گروه جدید تنها کافی بود تا
آنچه را که در پس پرده میگذرد ، بدانند . .

مردم دانستند که علیرقم فشار و خفقان ،
مبارزین خلق در زیر برق سر نیزه رژیم خوآنخوار
به تشکیل گروههای سیاسی اقدام میکنند .
مردم دانستند که هر گروه و دسته سیاسی که
تشکیل میشود در مخالفت با رژیم و برنامه‌اش بر
مبنای خواست مردم ایران ، سرنگونی رژیم
دیکتاتوری شاه است .

مردم دانستند که علیرقم تبلیغات سازمان
« امنیت » مبنی بر سرکوب مبارزه و مبارزان انقلابی
روز بروز تعداد پیوستگان به جنبش مسلحانه
فزونی می‌یابد .
مردم دانستند که با گذشت سه سال از شروع
مبارزه مسلحانه توسط پیشاهنگان فدائی خلق ،
با وجود شهید شدن ۲۰۰ تن از بر جسته‌ترین
فرزندان مبارز خلق در جنگ رویاروی با رژیم
دست نشانده امپریالیسم ، این آتش نه تنها خاموش
شدنی نیست ، بلکه شعله هایش از هرسو سر
میگردد و گرمی میبخشد .

مردم در برتو روشنائی مبارزه ، دستهای
که لنگ شهیدان را در دست گرفته‌اند می‌بینند .
و این مهر باطله‌ایست که مردم بر توطئه ها و
صحنه‌سازیهای بی‌ارزش رژیم میزنند . در همین
بیدگاه نظامی که ساواک آنهمه در جور کردن



یاد رفیق پویان گرامی باد

در شرایط اوج گیری جنبش مسلحانه خلق
ایران که اکنون بعنوان واقعی انکار ناپذیر برشده
تصاعدی خود ادامه می‌دهد ، خاطره رفیقی را
گرامی میداریم که با نثار خون پاکش جنبش
مسلحانه خلق ما را آبیاری کرد .

رفیق امیر پرویز پویان در سال ۱۳۲۵ در شهر
مشهد بدنیا آمد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را
در این شهر گذراند . رفیق از همان دوران
نوجوانی با مشاهده عینی فقر توده‌های مردم و
تماس مستقیم با آنها ، تحت تاثیر فضای سیاسی
خانوادهاش با مسایل سیاسی جامعه آشنائی پیدا
میکرد و در حد همان شناخت ابتدائی از تضاد
خلق با دشمن به اعمالی نظیر پخش اعلامیه و براه
انداختن اعتصابات که جنبه سیاسی داشت در
مدرسه و تشویق اطرافیان به فعالیتهای سیاسی
مقدم می‌نمود و در ضمن با مطالعه و بحث و تحلیل
از مسایلی که در نظرانش اتفاق می افتاد آگاهی
سیاسی خود را رشد میداد .

فعالتهای سیاسی مشخص رفیق پویان از سالی
که وارد دانشگاه شد شکل گرفت . در این سالها
بود که با تفاق رفقا مسعود احمد زاده و عباس
مفتاحی گروهی را تشکیل داد .

فعالتهای رفیق در گروه که اغلب نیز مخفیانه
صورت میگرفت ، ترجمه متون مارکسیستی و
نوشتن مقالاتی در زمینه شناخت جامعه ایران
بوده است .

در این دوره رفیق پویان و سایر رفقا معتقد به
تشکیل حزب پرولتاریا بر طبق فرمولهای تئوریک
مبتنی بر تجربه‌های انقلابی پیشین بودند بدون اینکه
شرایط عینی ویژه جامعه ایران را بدرستی تحلیل
کرده باشند . ولی خیلی زود رفقا با برخوردی
صادقانه و با تحلیل عینی از شرایط جامعه ایران
دریافتند که اوضاع خاص ایران در رابطه با
گسترش سلطه امپریالیستی ، پروسه نوینی را برای
تشکیل حزب طلب میکند . باین ترتیب رفقا معتقد
شدند که تنها با اتخاذ خط مشی مبارزه مسلحانه
و با تشکیل هسته‌های سیاسی - نظامی است که
میتوانند عناصر نطفه‌ای حزب پرولتاریا را عملا

بقیه در صفحه ۳

صحنه‌های آن فعالیت کرده بود، مردم فقط به آنسانی
که تا آخرین دم ، و علیرغم صدور احکام اسددام ،
براه و اعتقاد خود صمیمی باقی ماندند ، چشم
دوختند و لاپلاطات نئی چند خودفروخته و منززل
ابدا تقییری در چگونگی امر و تشخیص درست
آنها نسبت به مبارزین نداد . روش مبارزین از
جان گذشته گسرخ - دانشیان و بطحانی که با
وجود تمام شکنجه‌ها و فشار ها بر سر آرمانها و
عقاید خود پای نهندند و بدفاع از مارکسیسم -
لنینیسم پرداختند تا جائیکه رئیس دادگاه بناچار
آنان را مجبور به قطع ادامه دفاعیات کرد و
اعتراض به تبلیغ سیاسی آنان در دادگاه نمود ،
نشانه سر سختی و پایداری آنان است . روش آنان
که خواست سازمان امنیت شاه و توطئه‌هایش را
برهم زد ، منجر به تأیید احکام اعدام پنج نفر از
مبارزین (گلبرخی - دانشیان - بطحانی -
علامه‌زاده و سماکار) در دادگاه تجدید نظر نظامی
گردید .

درد بر مبارزین راستین خلق

اخبار

در این شماره قادر به آوردن اخبار نشدیم ،
مهمانه درج اخبار زیر را بذات اهمیت فوق
العاده آنها ضروری میدانیم .

* مطلع شده‌ایم که مبارز دلیر مایچه پازوکی که
پس از ۷ ماه اقامت در زندان خبری از وضع
او نبود ، در آردیبهشت ماه در زیر شکنجه
جلادان رژیم به شهادت رسیده است .

همچنین در نفر دیگر از مبارزین مقاوم ،
هوشمند ارزنگ خامنه‌ای و عنایت‌الله حاجش
چندین ماه پیش‌تر در شکنجه‌های شدید شده‌اند .

جنایات شاه علیه زندانیان ، اعمال شکنجه ،
گرسنگی و فشارهای روحی سیستماتیک ،
در تاریخ جنبشگران بی نظیر است . این سفک
خون آشام که می‌بیند مبارزین رژیم منفور
دورا دستخوش خطر کرده‌اند ، مانند حیوان
درنده‌ای بجان زندانیان سیاسی افتاده است .

وظیفه همه ماست که با توسعه پر دامنه
فعالیتها ، افکار عمومی جهان را متوجه
دندنه‌های سی‌های این مردم‌خوار کنیم و
اجازه ندهیم که کشتار فرزندان خلق که در
زندانها چیزی جز زنجیر بر دست و پای
ندانان ادامه یابد .

* تا کنون بیش از ۱۵۰ نفر از سربازان و افسران
ایران در جنگ علیه انقلابیون عمان (در
منطقه ظفار) کشته و زخمی شده‌اند . رژیم
جنبشکار ایران میکوشد که از پخش خبر
چهرگیری آنان و حتی از تحویل بی‌نازه بعضی
از کشته‌شدگان به‌فامیل آنها خودداری میکند .
در روز ۱۸ دیده‌اند عم‌ای از زنان و بستگان

بقیه در صفحه ۳

از : خسرو گسرخ

« تو »

تن تو کوه دماوند است
با غروری تا برش
دشنه دژخیمان نتواند هرگز
کاری افتد از پشت
تن تو دنیائی از چشم است .
تن تو جنگل بیدارهاست
همچنان با برجا
که قیامت

ندارد قدرت
خواب را خلاق کند در چشمت .
تن تو آن حرف نایات است
کز زبان یعقوب ،

پسر جنگل عیارها
در مصاف نان و تیفه شمشیر
- میان بستر -
خیمه می‌بست ، برای شفق فردها

تن تو یک شهر شمع آجین
که گل زخمش ،
نه که شادی بخش دست آن همسایه است
اگر برای پسرش جشنی بر پا دارد

گل زخم تو ،
ویرانگر این شادابهاست
تن تو مسأله البرز است
اولین برف سبال

بر این کوه پلکت
خواب یک رود ویرانگر را می‌بیند
در بهار اهر سبال
دشنه دژخیمان نتواند هرگز
کاری افتد از پشت
تن تو دنیائی از چشم است .